



دیدگاه صاحب‌نظران در مورد ذهنیت جامعه ایرانی به فضاهای تفریحی با استفاده از الگوی نظری مکان سوم اولدنبرگ

مقاله به بررسی دیدگاه صاحب‌نظران درباره ذهنیت جامعه ایرانی نسبت به فضاهای تفریحی می‌پردازد و نشان می‌دهد که این فضاها نیاز به توجه بیشتری دارند. پیشنهاد می‌شود با ایجاد تفریحات هدفمند و سرمایه‌گذاری در این فضاها، فضامکان‌های تفریحی تقویت شوند و از تبدیل آن‌ها به الگوهای نافرمانی جلوگیری گردد. این مقاله در پژوهشگاه مطالعات فرهنگی، اجتماعی و تمدنی، دی ۱۴۰۳ منتشر شده است.

مقاله حاضر باهدف بررسی دیدگاه صاحب‌نظران در مورد ذهنیت جامعه ایرانی به فضاهای تفریحی انجام شد. روش پژوهش کیفی و مبتنی بر نظریه‌پردازی زمینه‌ای بود که برای این منظور با تعداد ۱۷ نفر از اساتید و صاحب‌نظران علوم اجتماعی (گرایش‌های تعاون و رفاه اجتماعی، برنامه‌ریزی اجتماعی و سیاست‌گذاری فرهنگی) دانشگاه‌های تهران، علامه طباطبائی و خوارزمی مصاحبه شد و متون مصاحبه با بهره‌گیری از نرم‌افزار MAXQDA مورد تحلیل و واکاوی قرار گرفت. یافته‌ها حاکی از وجود دو گزاره محوری در باب اقدامات رفاهی حاکمیت در فضاهای تفریحی بود: الف. فضاهای تفریحی عرصه‌ای خنثی، هم‌سطح، قابل‌دسترسی و ساده نمی‌باشند. ب. جامعه ایرانی خواهان فضاهای تفریحی کنترل‌ناپذیر و یا کمتر کنترل‌پذیر از سوی حاکمیت است. همچنین نتایج نشان داد که فضاهای تفریحی می‌توانند از معنای محیطی برای سرگرمی و شکل‌دهی به اوقات خوش در وقت فراغت به سوژه‌هایی بدل شوند که خواهان انتقادات مهم به ارزش‌ها و هنجارها از مسیر نافرمانی و بدفرمانی مدنی باشند. از این رو، پیشنهاد می‌گردد با اتخاذ استراتژی‌هایی چون ایجاد تفریحات هدفمند در فضاهای عمومی، سرمایه‌گذاری و رسیدگی به فضاهای تفریحی موردعلاقه مردم و افزایش کیفیت آن، بازتولید معنایی در رسانه‌های رسمی به‌عنوان در دسترس‌ترین فضاهای تفریحی، افزایش جشنواره‌ها و شادپیمایی‌های مذهبی در سطح جامعه به‌ویژه در فضاهای قابل‌دسترس برای همگان مثل خیابان و بسترسازی استفاده از فضاهای تفریحی برای قشر نیازمند جامعه می‌توان به تقویت فضامکان‌های تفریحی در جامعه ایران و جلوگیری از تبدیل آن‌ها به الگوهای نافرمانی و یا بدفرمانی مدنی اقدام نمود.